**آفریجگان - کژین**

**سروشیار، جمشید**

در باب مقالهء«آفریجگان»1نوشتهء فاضلانهء آقای عبد الرحمن عمادی، تنبیه بر دو نکته را-یکی تکمیلی و دیگر تصحیحی-واجب دانستم.

نخست آن‏که آئین آبریزگان در بعضی از کتب قدیم از مراسم بامداد نوروز نیز شمرده آمده و جز افسانهء فیروز،داستان‏های دیگری هم در این باب نقل‏ گردیده است.2

معوج(ظ:معوج الرقی)در این دو بیت لطیف بدین سنت آب‏افشانی‏ (؟؟؟رش الماء)در صباح نوروز اشارت دارد:

کیف ابتها جک بالنیروز یا سکنی؟ و کل ما فیه یحکینی و احیکه! فناره کلهیب النّار فی کبدی! و ماؤه کتوالی عبرتی فیه‏3!

و دیگر آنکه واژهء«کژین»که آن را نام عیدی دانسته و به معنی آن در فرهنگ‏ها باز نخورده‏اند،نه بدین املاء درست است و نه نام عیدی است.املای‏ صحیح آن«گرین» (gorin) (که مأخذ محقق محترم بوده است)راه یافته که‏ قدما را رسم بوده است که کاف فارسی را«به سه نقطه علامت کنند»4تا با کاف‏ تازی مشتبه نشود.

شادروان زاخائو مصحح فاضل آثار الباقیه آن سه نقطه را از حرف بعد از «گ»پنداشته و کلمه را«کژین»به ضبط آورده است و جناب داناسرشت-مترجم‏ آثار الباقیه-هم که همه اهل معنی‏اند نه لفظ،آن را به همان صورت نادرست در ترجمهء خویش آورده‏اند.این واژه صورت«گرینه»(حصار کرینه)در المسالک‏ و الممالک ابن حوقل‏5و بصورتهای«جرین»6و«جورین»7(شاید به تعریب؟) در رسالهء محاسن اصفهان و ترجمهء آن آمده است.و آن«بازاری بود بر دروازهء خور یکی از چهار دروازهء اصفهان قدیم و آن ظاهر بر سمت شرق باز می‏شده است)...[که‏] در فصل نوروز هرسال تمامت اهل اصفهان...به الوان اسباب مأکول و مشروب... مدت یک‏دو ماه بدانجا نقل‏[می‏]کرده‏اند و از استیفاء لذت...از لهو و لعب... حظی اوفی...از زندگانی برداشته،چون روز نوروز رسیده چندین بازارها ساخته، طرافان و بازاریان گوناگون نعمت‏ها در آنجا پرداخته و عوام در میان آنجا چون‏ دریا بر دریا در تموج و خواص از دوو و نزدیک و بالا و نشیب در تفرج و پیوسته آن‏ مدت را گذرانیده به فکاهت و خوش‏عینی و افسانه،و خلیع العذار دیوانه‏وار، آشنا و بیگانه مشتغل به کأس و پیمانه...»8

ظاهرا این بازار را از آن روی گورین یا گرین(-جورین یا جرین) نامیده‏اند که در محلی بنام گور یا جور بپای می‏شده است.در راحة الصدور از از دشت گور و باغ دشت گور که بر در شهر اصفهان و از متنزهات روزگار سلجوقیان‏ بوده است،یاد شده است.9یاقوت نیز از روستائی بنام«جور»در نزدیکی اصفهان‏ نام می‏برد.10در روزگار ما دیهی بنام«جور»11و دیه دیگری بنام«گورت»12 (gavart) در نواحی شرقی شهر واقع است که شاید یکی ازین دو روستا با«سوق‏ جورین»یا«بازار گرین»بی‏ارتباط نباشد.

(1)-مجله یغما،شمارهء دهم از سال بیست و هفتم(دی 1353).

(2)-معجم البلدان: طبع لایپرینگ.ج اول ص 669،الخطط المقریزیه،طبع مصر،ج اول ص 494،نهایة- الادب نویری ج اول ص 186 صبح الاعشی،ج دوم ص 419.

(3)-نهایة الارب، ج اول ص 187.در این دو بیت به رسم آتش‏افروزی در شب عید نیز اشارت رفته است.

(4)-دستور دبیری طبع ترکیه ص 5.

(5)-ترجمه صورة الارض ابن حوقل،دکتر شعار، ص 107.

(6)-محاسن اصفهان،ص 93.

(7)-ترجمهء محاسن اصفهان ص 17.

(8)-همان کتاب و همان صفحه.

(9)-راحة الصدور،ص 132 و 157.

(10)-معجم البلدان،ذیل«جور».

(11)-نام و جمعیت نقاط مسکونی استان اصفهان‏ نشریهء مرکز آمار ایران،تیرماه 1350 ص 19.

(12)-همان نشریه،ص 38.